

زهر ماری

- **پوریا عالمی:** ما از بچگی که با مصدق آشنا شدیم و دیدیم او نفت را ملی کرده و پول نفت به جای اینکه مستقیم برود توی جیب خارجی‌ها، غیرمستقیم می‌رود توی جیب خارجی‌ها و تبدیل به پورشه‌ها و خودرو و زنجانی و تریلی دلاز و نقد نفتی و... می‌شود و بعد می‌بینی روی دوش جیب خارجی‌ها، خیلی نفث‌گرا شدیم و با خودمان عهد کردیم بزرگ خیلی جلو فروش نفت را بگیریم و روی صادرات غیرنفتی کار کنیم. در همین راستا به صادرات مغزو رو آوردیم. تاکنون چند هزار تُن - تَن مغز از کشور صادرات غیرنفتی و فرار مغزها شده باشند خوب است؟ بعد از آن صادرات جوانانی را آغاز کردیم که حالت ازدواج نداشتند. یعنی طرف تا حالت ازدواج پیدا نمی‌کرد با یک نفر که اقامت فرنگ داشت ازدواج می‌کرد و لای پاسپورت همسر از کشور خارج می‌شد و برنمی‌گشت. بعد از این نوع صادرات بود که ما به صادرات جنین هم روی آوردیم. یعنی این طوری شد که هرکی باردار بود و می‌خواست بارش را زمین بگذارد، برای اینکه فشارش را از روی دوش دولت و ما کم کند، به ما می‌داد. می‌رفت فرنگ و در یک کشور فرنگی بچه را به دنیا می‌آورد تا بچه شناسنامه فرنگی بگیرد. پس تا اینجا متوجه شدیم که صادرات غیرنفتی ما به صادرات مغز، صادرات حالت ازدواج و صادرات جنین تقسیم می‌شود. راستش را بخواهید دیگر چیزی برای صادرات غیرنفتی نداشتیم و نگران شده بودیم که دیروز ایسنا گزارش داد «صادرات همز گرم زهر مار برابر ۶۰۰ بشکه نفت ارزش ارزی دارد».

مار تو آستین؛ ما با خواندن این خبر متوجه شدیم تا الان در خواب غفلت بودیم. چون با توجه به حجم ماری که ما در آستین پشور می دهیم می توانیم به زودی در تولید مار و تهیه زهر مار خودکفا شویم. **زهر مار طبیعی:** از طرفی مادر ما با بچگی می گفت زندگی ما عین زهر مار است. ما حاضریم به دلیل استقلال اقتصادی کشور از مادرمان خواهشیم کلی زهر مار را دودستی صادر کند.

روش زهرماری: همچنین عمومی‌ما از بچگی به روش ماری اعتقاد وافر داشت. او معتقد بود دواى هر دردى زهر ماری است. (این نشان می‌دهد که هنوز ما مشم اقتصادی قوی‌ای داشتیم که متأسفانه قدرش را ندانستند و افتاد توی جوب) عمومی‌ما چه مشکل اقتصادی پیدا می‌کرد، چه مشکل اجتماعی، چه مشکل سیاسی، سریع زهر ماری را مصرف می‌کرد. به نظر ما به عمومی‌ما باید نوبل اقتصاد را بدهند و او را به بانک مرکزی وصل کنند تا هر گرم زهر ماری‌اش را در ازای ۶۸۰ بشکه نفت به خارج بفروشد.

روزنامه شرق

شنبه ۹ آبان ۱۳۹۴ • ۱۷ محرم ۱۴۳۷ • ۳۱ اکتبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۳۵ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۹ • اذان صبح فردا ۵:۰۱ • طلوع آفتاب ۶:۲۶

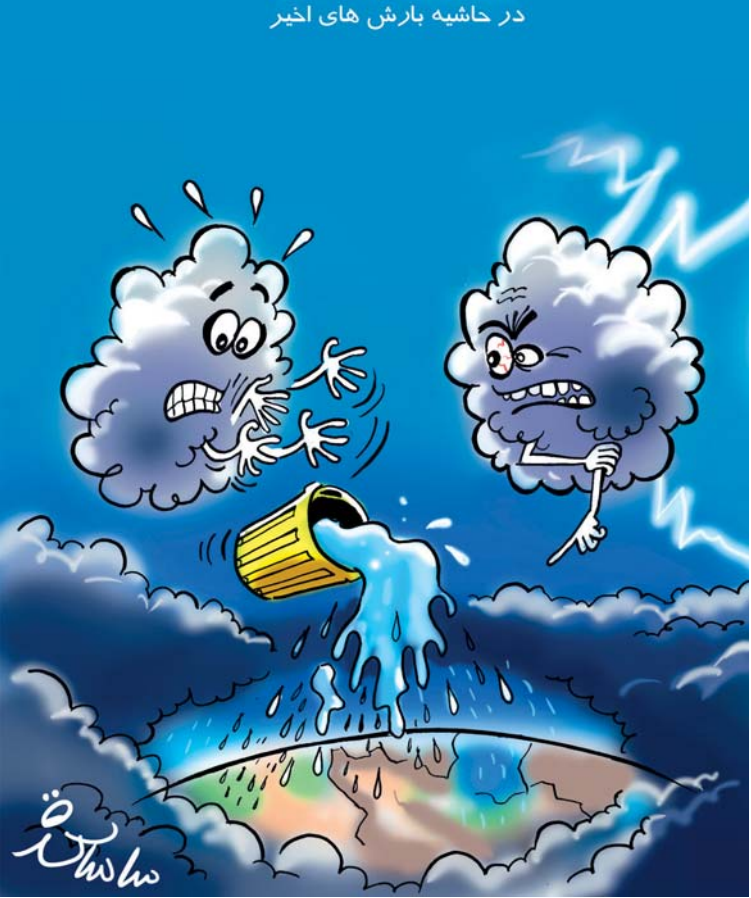
fardashargh@gmail.com

روزنامہ فردا

کارتون خواب

سازمان خادما

در حاشیه بارش های اخیر



میشنہاد

قرمزها و سبزه‌های کوثری



● **شرق:** نمایشگاه آثار عباس کوثری، با عنوان قرمزها و سبزه‌ها، چیدمانی است ترکیبی از عکس و ویدئو که به نابازبانگن مراسم آئینی و سنتی تغزیه در ماه محرم می‌پردازد. در ماه محرم، مراسم تغزیه به شبیه‌خوانی واقعه تاریخی شهادت امام حسین (ع) و یارانش توسط سپاهیان یزید می‌پردازد که در آن با ایجاد صافه‌گذاری میان بازنگر و شخصیت تاریخی همداننداری در تماشاکار را سبب می‌شود. ایفاکننده‌های این نقش‌ها، نابازبانگنی هستند از میان مردمی که تا دیروز مشغول به کار حرفه‌ای در طبقه اجتماعی خود بوده‌اند. به این دلیل، حضورشان در این لباس و در میان مردم تا قبل از آغاز مراسم هیچ توجهی از سمت مردم برنمی‌انگیزد. امام حسین (ع) و یارانش با رنگ معنوی سبز و سپاهیان یزید با رنگ قرمز از یکدیگر متمایز شده‌اند. این نمایشگاه در گالری «ای، جی»، در خیابان ولیعصر، خیابان پسیان، شماره سوم تا چهارم از برپاست.

بیمار هنوز جان دارد!



کریم ارغندہ پور

گویند با روبات سخن می‌گویند، خیلی سرد و خشک و بی‌احساس سر خرد که عزیز ما شدیداً بیمار است و قلبش نیاز به جراحی دارد ولی احتمالاً قوت بیمار در این جراحی بالاست. وقتی سخن می‌گفت، در یک لحظه احساس کردم شخص مکانیکی را دارد بازی می‌کند که درباره یک اتومبیل معیوب سخن می‌گوید نه درباره انسانی که جان دارد و خودش هوشیارانه دارد همه چیز را می‌شنود؛ ما شوکه شدیم بودیم ولی پزشک بافصلیه کامله را تمام کرد و از ما بودیم ولی مطب او را ترک کنیم تا به سایر بیماران بپردازد. ارتباط سالم پزشک و بیمار بخش مهمی از روند کار در این حوزه است. نحوه درست اعلام یک خبر ناگوار به بیمار و عزیزانش یکی از مهم‌ترین بخش‌های این ارتباط مثبت را شکل می‌دهد. در این زمینه اخلاق پزشکی شکل گرفته و راه‌های پذیرفته‌شده‌تری در دنیا سامان یافته است. پزشکی که بیمار را بدون احساس

فرض می‌کنند، از اخلاق پزشکی و کار حرفه‌ای درست فاصله دارند. این جزو حقوق بیمار است که از جنبات بیماری‌اش و تبعات آن آگاه باشد ولی این منافعی یک رویکرد اخلاقی و محتاط و همراه با در نظر گرفتن احساسات نیست. اعلام نامناسب خبر بیماری سخت به بیمار و تحمیل یک شوک بدون پشتیبان به او صحیح نیست همان‌طور که بزرگ کردن خطر بیماری از آنچه که هست بدون گفتن بخش‌های امیدوارکننده درباره آن صحیح نیست. یکی از اشکالات سیستم کار پاداری از پزشکیان ما این است که به اندازه کافی درباره بیماری را به بیمار صحبت نمی‌کنند. پزشک معمولاً درباره بیماری محتاط است، همین سبب می‌شود ریسک بیماری را گاهی بیش از واقعیت برآورند. اگر ارتباط نامناسب با بیمار بخشی از وظایف اخلاقی و حرفه‌ای پزشک محسوب شود، به نظر می‌رسد ما در این زمینه نیازمند تأمل و تمرکز بیشتری هستیم.

گزارش فردا

همدردی با خانواده جنازه‌های گمشده

در این زمینه پاسخی روشن داده است. او وضعیت خانواده رامین میزایی را این‌طور توصیف می‌کند: «پدر و مادرش از شدت فشارهای روحی در وضعیت نامناسبی به سر نمی‌برند و حالا دیگر جز خدا کسی را ندارند.» اشاره او به عدم آمادگی‌های مسئول خانواده متقوی است که پس از گذشت چندماه هنوز بسته نشده است: «هیچ چیز بدتر از این نیست که خانواده‌ای جگرگوشه‌شان را از دست بدهند اما نتوانند جسد او را به خاک بسپارند.» حال سؤال این است که آیا سبلی که این‌روزها مردم هشت استان را اسیر خودش کرده و هزار و ۴۰۰ مجروح شده‌اند از کمک‌های گروه‌های امداد بهره‌مند یا مردم این استان‌ها همین کار را خواهد کرد؟ آیا آنها هم باید ماه‌ها در انتظار جنازه عزیزانشان، بازگشت اموالشان، اجرای تعهدات بیمه‌ای و... باشند تا دوباره به زندگی عادی برگردند؟ مادر رامین میزایی چهارم‌ام پیش می‌گفت تا روشن شدن تکلیف جسد پسرش، خواب به چشمش نخواهد رفت؛ حالا باید پرسید که چه کسانی اقدام می‌کنند که این بیدار خوابی‌ها در سیل اخیر غرب کشور تکرار نشود.

شرق: سیل، هشت استان غربی را در نوردیده و خسارات زیادی به جا گذاشته است؛ مردم از نامناسب بودن امداد رسانی ها ابراز نارضایتی کرده اند و روحانی به نهادهای مسئول دستور داده، برای نجات مردم و اموالشان، سرعت بیشتری داشته باشند. سیل اما شش نفر را هم قربانی خود کرده و یک نفر هم مفقود شده و بعید نیست که او هم به سرنوشت «رامین میرزایی» و دیگر مفقودان سیل اخیر تهران دچار شود. تیرماه امسال بود که سیل سولقان، رودخانه کن را مواج کرد و جنازه سیل زده های چوچون «رامین میرزایی»، هیچ کس از زیر گل لایای پودانه بیرون نیامد. خانواده اش حالا سرگردان مثلث بهشت-تهر(راس)، پزشکی قانونی و محل حادثه هستند اما هنوز معلوم نیست جنازه پسر مفقود شده شان کجاست. در همین صفحه گزارش می نگرانی ها و اضطراب های خانواده او و دیگر مفقودان، سیل اخیر تهران منتشر کردیم و حالا یکی از بستگان او به «شرق» می گوید که بعد از چهارماه هنوز نه جنازه او خبری شده و نه کسی در نهادهای مختلف که مسئول رسیدگی به مسائلی از این دست هستند

سامسونگ
SAMSUNG

بیشتر ببینید ، بهتر حس کنید



SUHD TV 4K

فقط با ضمانت
۰۲۱-۸۲۵۵
سرویس